

## بیانیه دانشجویان سوسیالیست پیرامون وضعیت محمود صالحی



نام محمود صالحی در چند سال اخیر به کانون و محل تقاطع مسایل متعددی بدل گشته است و همین او را به یک نماد و پرچم در جنبش کارگری و عرصه سیاست در ایران بدل نموده است. محمود صالحی به عنوان یک فعال چپ جنبش کارگری برای نخستین بار در سال ۱۳۷۴ به زندان افتاد. در سالهای ۷۹-۱۳۷۸ دو ماه و نیم را در زندان به سر برد. در پاییز ۱۳۷۹ مدت ۸ ماه زندانی بود. در سال ۱۳۸۳ و در آستانه برگزاری مراسم اول ماه مه بار دیگر به مدت دو هفته بازداشت گردید و هم

اکنون نیز چندین ماه است که در بدترین شرایط و با تنی رنجور در زندانهای جمهوری اسلامی به سر می برد. در این میان برگزاری مراسم اول ماه مه (روز جهانی کارگر) سال ۱۳۸۳ در سقز توسط فعالین پیشرو کارگری این شهر و در راس آنها محمود صالحی را می توان بمتابه نقطه عطفی در تاریخ جنبش کارگری در ایران محسوب داشت. با دستگیری این پیشروان کارگری در آستانه برگزاری مراسم اول ماه مه واقعه بزرگ تاریخی ای در جنبش کارگری ایران به وقوع پیوست که نتایج دیرپایی برای جنبش کارگری در ایران داشت و موقعیت این جنبش و همچنین تناسب قوای گرایشهای درون آن را برای مدتی طولانی تغییر داد. دیدار محمود صالحی در ۲۹ آوریل همان سال با نماینده هیات "کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری" در تهران و در محاصره نیروهای امنیتی و همچنین یورش نیروهای رژیم به کارگران سقز قبل از آغاز مراسم و دستگیری ۵۰ نفر و زندانی کردن ۷ نفر باعث شد تا تلاش و نقشه نهاد ارتجاعی وابسته به حاکمیت موسوم به "خانه کارگر" در جهت پذیرفته شدن به عنوان عضو در این کنفدراسیون و به رسمیت شناخته شدن توسط آی. ال. او (سازمان بین المللی کار) از این طریق بمتابه تشکل نماینده کارگران در ایران با شکست مواجه شود. به علاوه گرایش چپ جنبش کارگری با وقایع اول ماه مه سقز توانست موانع عمده ای علیه سیاستهای جنبش اصلاحات و دوم خرداد در جنبش کارگری و نیز گرایش رفرمیستی و راست این جنبش (بمتابه متحد استراتژیک جریان دوم خرداد) در جهت ایجاد تشکل کارگری در چارچوب توافق نامه سازمان جهانی و وزارت کار به وجود آورد. شخصیتهای جریان چپ جنبش کارگری به ویژه محمود صالحی از خلال تلاشها و مبارزاتشان در جهت برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه توانستند به شخصیتهایی با شهرت جهانی بدل گردند و حمایت و همدلی تشکلهای و نهادهای کارگری در سطح بین المللی و طبقه کارگر جهانی را به تلاشهای جنبش کارگری در ایران جلب نمایند. به علاوه گرایش چپ جنبش کارگری که اکنون به واسطه تحولات این سالها یکسره با نام و فعالیتها و مبارزات محمود صالحی تداعی می شود، علاوه بر صف بندی در مقابل گرایش رفرمیستی در این جنبش که فعالیت خود را بر مبنای همکاری و سازش کار و سرمایه پی ریزی کرده بود، توانست درک صنفی، قشری و غیر سیاسی از "کارگر" را دگرگون سازد و چهره ای اجتماعی و فعال و دخالتگر را از خود ارائه دهد: حمایت محمود صالحی از مبارزات بخشهای دیگر طبقه کارگر در ایران و سخنرانی در تجمعات آنها، ارسال پیام برای زنان مبارز به مناسبات ۸ مارس (روز جهانی زن) و همچنین دانشجویان چپ و سوسیالیست توسط محمود صالحی و همین به راه افتادن موج تحرکات حول موضوعات مربوط به طبقه کارگر و ایجاد کمپینها و کمیته های حمایت از محمود صالحی و سایر فعالین و مبارزات و اعتصابات در بخشهای مختلف طبقه کارگر و جامعه و ... در امتداد چنین درک و تصویری شکل می گیرد. علاوه بر اینها، آنچه در شهر سقز (بمتابه یکی از شهرهای منطقه کردستان ایران) به واسطه حضور محمود صالحی و سایر فعالین پیشرو کارگری گذشت و به برگی از تاریخ پر افتخار جنبش کارگری ایران و سنتی نیرومند در این جنبش بدل شد، جنبش کارگری در کردستان را به حلقه نیرومند جنبش کارگری در ایران و بستری برای تربیت رهبران و سازمان دهندگان سازش ناپذیر چپ در این جنبش تبدیل کرد تا حدی که حافظین منافع سرمایه به تشکیل جوخه های ترور ضد کارگری در این منطقه متوسل گردیدند و فعال کارگری مجید حمیدی را در بیست و ششم مهر سال گذشته در خیابانهای سنندج به گلوله بستند تا جنبش کارگری و کلیت جامعه را از حضور این رهبران محروم کنند. همین وزنه سنگین جنبش کارگری در کردستان، قادر است حرکت در جهت رفع ستم ملی در این منطقه را به جای اتکا بر راهبردهای ناسیونالیستی و نقشه های امپریالیستی در خاورمیانه، با مبارزات پیشرو و سراسری جنبشهای اجتماعی در ایران حول جنبش کارگری پیوند زند.

محمود صالحی و کارگران سقز در سال ۱۳۸۳ کوشیدند حکم جهانی طبقه کارگر در مورد اول ماه مه را در خیابانهای شهر محقق کنند. روند رو به پیش جنبش کارگری ایران از همان روز آغاز شده و ادامه دارد و باعث ایجاد فضایی برای رشد قطب چپ و سوسیالیستی در جنبشهای اجتماعی دیگر از جمله جنبش دانشجویی گشته است. همین پیشروی، حتی جریاناتی را که تحت تاثیر دوران رونق اصلاحات حکومتی در ایران و تحت عنوان "کمونیسم" و "کارگر" چشم

امید به جریان‌ات دیگر غیر از طبقه کارگر بسته بودند و نوعی رادیکالیسم ماورا طبقاتی و غیر کارگری را پایه فعالیت خود قرار داده و به جناح میلبیتانت اپوزیسیون مدرنیست و سکولار ایران بدل شده بودند را نیز به حاشیه راند.

ما به عنوان دانشجویان سوسیالیست در جهت نمایندگی افق و سیاست پرولتری در جنبش دانشجویی و فرارویاندن این جنبش به جنبشی ضد کاپیتالیستی و متحد استراتژیک طبقه کارگر می‌کوشیم. ما تلاش می‌کنیم تا سیمای محمود صالحی و محمود صالحی‌های دیگر بمثابه معماران حقیقی و فروتن جامعه‌ای آزاد و برابر، مبارزینی از تبار کمونارهای پاریس و کارگران بلشویک، به جای تمثال خاتمی‌ها و شریعتی‌ها و اکبر گنجی‌ها و عبدالکریم سروش‌ها و بازرگانها و مصدقها و سبحانی‌ها بر دیهیم جنبش دانشجویی نقش بندد. در مرحله کنونی و در ادامه روندی که آغاز شده است جنبش کارگری نیازمند سلاح اصلی خود، نیروی منسجم و یکپارچه خود و تشکلهای توده‌ای و طبقاتی خود در سطح سراسری است که به اعتقاد ما کلید اصلی پیشبرد و تحقق مطالبات دموکراتیک در سطح جامعه و جنبشهای اجتماعی نیز هست. در این مسیر پریچ و خم و طولانی ما پیش از هر چیز به حضور و سلامت فیزیکی رفیق محمود و رفقایمان نیاز داریم. اکنون بیش از هشت ماه از زندانی شدن محمود صالحی می‌گذرد. فشار زندان باعث وخامت جسمانی شدید محمود شده است. او علاوه بر نارسایی کلیه از مشکل قلبی که از نتایج مستقیم زندان است نیز رنج می‌برد. محمود صالحی با پایان یافتن دوران محکومیتش قرار بود در چهارم فروردین ماه امسال از زندان آزاد گردد اما مسئولان قضایی و نهادهای امنیتی با پرونده سازی از آزادی وی جلوگیری کرده‌اند و به بهانه‌هایی نظیر صدور بیانیه توسط محمود صالحی در حمایت از دانشجویان چپ، برای او مجدداً قرار بازداشت صادر نموده‌اند. محمود صالحی نیز در اعتراض به این اقدام اقدام به اعتصاب خشک کرده و قصد دارد تا دریافت حکم آزادی خویش به این اعتصاب ادامه دهد. ما هم صدا و هم گام با رفقایمان در "شورای همکاری تشکلهای فعالین کارگری" اعتراض خود را به تصمیم مسئولین قضایی اعلام کرده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی می‌باشیم و ضمن آنکه مسئولیت هرگونه آسیب احتمالی بر این فعال و رهبر کارگری را متوجه حکومت و نهادهای قضایی و امنیتی آن می‌دانیم، از رفیق محمود تقاضا می‌کنیم به خاطر حفظ سلامت خویش از اعتصاب غذا دست بکشد. ما مسیر پر پیچ و خم و دشواری پیش رو داریم و در این مسیر به حضور، فعالیت، مبارزه و رهبری محمود صالحی احتیاج مبرم هست. تاریخ معاصر ایران کوله باری از مسایل بغایت دشوار بر دوش طبقه کارگر نهاده است. شاید طبقه کارگر در زیر بار این مبارزه مانند پیکر محمود صالحی خرد و مجروح شود اما اگر نمی‌تواند از این رویارویی دست بکشد چون در این صورت طبقه اش متلاشی می‌شود و همه کشور به مگاک بربریت سقوط می‌کند.

## دانشجویان سوسیالیست دانشگاه‌های ایران

4 فروردین 1387

نوشته شده در یکشنبه 4 فروردین 1387 ساعت 22 توسط دانشجویان سوسیالیست +